

علم اشتقاق لغات

در ضمن علومیکه در قرنهای آخری در ممالک فرنگ تولد و تکامل یافته یکی هم علم اشتقاق لغات و یا زبانشناسی است، این علم نتیجهٔ تتبعات و تحقیقاتی است که علمای غرب در معرفت ملل و اقوام بعمل آورده اند.

پس از کشف و حلّ خطوط و زبانهای قدیم ایران مانند خطوط میخی و پهلوی و اوستائی آن قسمت از علم اشتقاق لغات که راجع بزبانهای ریائی و یا هند و جرمنی است بیشتر وسعت پیدا کرده است. علمای فرنگ پس از سالها زحمت و مجادله با مردمان بیعلم و مدعیان بیخبر از فنّ و معرفت و جرح و ردّ اقوال و عقاید موهومی آنان بعضی قواعد اساسی برای فهمیدن ارکان علم اشتقاق وضع کرده اند. اگرچه باز بسیاری از مسائل لاینحل مانده و در اکثر قواعد هنوز رأیهای مدققین اختلاف دارد ولی با وجود این برای کسانیکه میخواهند درین رشته از علوم اطلاعاتی کسب و دستوری در دست داشته باشند زمینه های کافی تهیه شده است ما برای نمونه گاهگاهی در اشتقاق بعضی از لغات بر حسب اطلاعات خود چند کلمه نوشته و تدقیقات علمای این فن را نیز شرح خواهیم داد.

مشتقات کلمهٔ دیپ

این کلمه در زبان باستانی یعنی فرس قدیم که زبان دورهٔ پادشاهان هخامنشی بوده، بمعنی نوشتن و خط کشیدن استعمال شده که مقابل کلمهٔ سانسکریت لیپ و لیبی می باشد که آنهم همین معنی را داشته است، داریوش

در کتیبه های خود این کلمه را بشکل دیپیس بکار برده و غرض از آن خطوط آن کتیبه ها بوده است ، اگرچه خطوط این کتیبه ها که خط میخی است نوشته نشده بلکه کنده شده ولی در آن عهد ها معمول بوده که پس از کندن چنین خطوط آنها را دوباره با آب طلا و یا رنگهای دیگری اندودند یعنی روی آن خطوط دو باره مینو شتند و بدین مناسبت کلمه دیپیس را که داریوش بکار برده بمعنی نوشته و خط میتوان گرفت .

حالا به بینیم ازین کلمه دیپ چه کلمه ها مشتق شده اند .

۱ دفتر - چنانکه بعضیها تصور کرده اند کلمه دفتر عربی نیست بلکه لغت فارسی است که از ریشه دیپ مشتق شده . در کتب مورخین قدیم یونان این کلمه در شکل دیپترا و دِفترا پیدا میشود چنانکه کتزیاس مورخ یونانی که در سال ۴۱۵ قبل از میلاد در جنگ بدست ابرایان اسیر شده و بجهت دانستن فن طبابت هفده سال در دربار شاهنشاه ایران مشغول طبابت بود در کتاب خود بنام تاریخ ایران که فقط قسمت بسیار کوچکی از آن باقی مانده مینویسد که ایرانیان سالنامه های دولتی را دِفترا مینامیدند و مورخ معروف یونانی هرودوت نیز میگوید که این کلمه در آسیای غربی بمعنی کتاب و خط استعمال میشد .

۲ دبیر - یعنی نویسنده ، در ابتدا فقط بکسی اطلاق میشد که نوشتن را بلد بود و چون نوشتن خط یک صنعت مخصوص و سخت بود هر کس آن مقامرا نمی توانست احراز بکند بعد ها که اغلب مردم نوشتن را بلد شدند دبیر

فقط یکسانی گفته شد که علاوه بر نوشتن انشاء کردن را هم بلد باشند، و دبیرستان بمعنی مکتب است.

۳ — دوات یعنی اسباب نوشتن. جای دقت است که عثمانیها دوات را دیویت مینویسند و میخوانند که بریشه کلمه بسیار نزدیکتر است.

۴ — دبستان یعنی مکتب. بعضی از جاهلان خیال کرده‌اند که دبستان مخفف ادبستان و یادابستان است این بگلی غلط و سهو است. دبستان یعنی جائیکه در آنجا نوشتن را یاد میگیرند که کاملاً مقابل کلمه مکتب است.

این نکته را باید در نظر گرفت که در زمانهای قدیم در مدرسه‌ها فقط نوشتن و خواندن را یاد میدادند و کتابی موجود نبوده که از روی آن درس بدهند و علم‌ها هم هنوز تدوین نشده بود و اگر کسی نوشتن و خواندن را آشنا میگشت از صاحبان هنر و صنعت شمرده میشد و بدین جهت در نزد بعضی از ملتها شکل ابتدائی مدرسه‌ها نامی داشته که متضمن معنی نوشتن بوده است.

۵ — دیوان یعنی جائیکه نوشته‌ها و اوراق در آنجا نگاه میدارند که بعبارت دیگر دفترخانه باشد در عهد پادشاهان ساسانی دفتر خانه حکومتی را دیوان مینامیدند که همه دفاتر خراج و مالیات و صادرات مملکت در آنجا محفوظ میشد بعدها این کلمه بخود آندفاتر و اوراق نیز اطلاق شده و بعد اختصاص داده مجموع نوشته‌ها و گفته‌های شعرا را هم که بیک ترتیب مخصوص جمع آوری شده باشد دیوان گفتند عربها این کلمه را از ایرانیان برداشته صیغه‌های دیگر مانند دواوین

و تدوین از آن مشتق کرده‌اند و از عرب‌بها نیز ملل لاتینی برداشته آنرا دو آن (۱) کرده‌اند که امروز در زبان فرانسه اداره کمرک را بدان مینامند. این کلمه در زبان پهلوی اتیوان (ادیوان) و در ارمنی اتیان میباشد الفخری در کتاب الاداب السلطانیة تفصیل یاد گرفتن اعراب دفتر داری را از ایرانیان چنین مینویسد :

« وقتیکه خلیفه دوم عمر بن الخطاب خواست غنایم فراوانی را که از ایران و دیگر ممالک آورده بودند میان مسلمین قسمت بکند و برای آنان یک مقرری معین نماید ترتیب تقسیم و اداره کردن آنرا نمیدانست در آنوقت یکی از ساتراپهای ایران فیروزان نام در مدینه اقامت داشت و همینکه دید عمر درینکار عاجز مانده گفت یا امیر المؤمنین پادشاهان ایران دفاتری داشتند که همه واردات و صادرات مملکت را در آنها مینوشتند بدون اینکه چیزی فراموش شود و اساسی مردمانیکه بایستی جیره بگیرند باز در آنها بترتیب رتبه و مقام ثبت میشد و هرگز سهوی پیش نیامد. عمر گفت ترتیب آن دفتر را برای من بنویس فیروزان آنرا نوشت عمر دید و ترتیب را فهمیده از روی آن برای هر یک از مهاجرین و انصار و حتی زوجه و خویشان حضرت رسولواجبی مقرر کرد و هرچه در بیت المال جمع شده بود تا دینار آخر قسمت نمود (۲) در عهد عمر اداره این دفاتر یعنی محاسبات خارج و صادر را دیوان مینامند که بمنزله وزارت مالیه امروز میباشد. چنانکه عثمانیها هم در ایام قدیم وزیر مالیه و یا مستوفی را دفتر دار میگفتند. بعدها که خلافت جنبه سیاسی و شکل سلطنت پیدا کرده

(۱) Douane (۲) درینخصوص بفتوح البدان بلاذری نیز مراجعت شود.

محتاج تشکیلات و اسعتر شدند برای هر یک از اداره جات دولتی یک دیوان تأسیس کردند مانند دیوان الرسایل و یا دیوان الکتابة ، دیوان الجند و دیوان البرید و غیره که اینها شکل ابتدائی وزارتخانه های امروز را نشان میدهند و رئیس آن دوایر را صاحب دیوان مینامیند. بدینقرار لفظ دیوان از معنی تنگ خود که محل دفاتر و اوراق و مجموعه آنها بود بمعنی دفترخانه و اداره دولتی و همچنین محکمه و دادگاه انتقال نمود نظیر این انتقال در نزد عثمانیها در باره لفظ قلم اتفاق افتاده که سابق دفترخانه را قلم اوطه سی یعنی اطاق قلم و تحریر میگفتند و کم کم لفظ اطاقرا هم انداخته اند و قلمرا بتنهائی بمعنای دفترخانه و اداره استعمال میکنند و میگویند از قلم میآیم و بقلم میروم و فلانی در قلم مستخدم است .

۶ — دیوار و دیباج بعقیده شرقشناس آلمانی پروفور شینگل این دو کلمه نیز از همان ریشه دیب مشتق شده اند. اگر ترتیب ساختن دیوار و بافتن دیباج را در شرق در نظر بگیریم که عبارت از رویهم چیدن چندین لاخست و گل و رشته های شبیه بخطوط وسطور است این عقیده را دور از حقیقت نمی یابیم .

پستالوجی

مجدد اصول تعلیم و تربیت و تمثال عشق مسلک و استقامت

ما می بینیم که در هر چند عصری یک دو سیماى ذکاوت و متانت از سینۀ طبیعت سر بدر آورده محیط خود را با نور دماغ خود روشن ساخته و بارهنگامی خود جامعه خود را چندین فرسخ در شاهراه ترقی جلو انداخته است .